

امام باقر علیه السلام؛ سردمدار علوم اسلامی و احیاگر تفکر شیعی

در این نوشتار، با نگاهی تحلیلی به ابعاد گوناگون حیات علمی امام باقر علیه السلام می‌پردازیم: از مبارزه با انحرافات عقیدتی و پایه‌گذاری اجتهاد اصیل تا ترویج فرهنگ انتظار و تفسیر قرآن.



در این نوشتار، با نگاهی تحلیلی به ابعاد گوناگون حیات علمی امام باقر علیه السلام می‌پردازیم: از مبارزه با انحرافات عقیدتی و پایه‌گذاری اجتهاد اصیل تا ترویج فرهنگ انتظار و تفسیر قرآن.

طرح مسأله و ضرورت بحث

حضرت امام محمد باقر علیه السلام، پنجمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، در عصری طلوع کرد که جهان اسلام با چالش‌های عمیق فکری، فرهنگی و سیاسی روبه‌رو بود. دوران امامت ایشان مقارن با افول قدرت بنی امیه و ظهور جنبش‌های فکری و مذهبی متنوع بود؛ شرایطی که نیاز به بازتعریف هویت اصیل اسلامی و تبیین معارف ناب دینی را بیش از پیش آشکار می‌ساخت.

روزگار امام باقر علیه السلام بستری آماده برای نشر احکام دین و اسلام بود. دولت اموی در پی قیام حسین بن علی علیه السلام روبه سستی و از هم گسیختگی نهاده بود و ایرانیان، که با وجود فشار حکومت ستمگر اموی، به اهل بیت علیهم السلام عشق می‌ورزیدند، قیام کردند و بنی عباس را یاری دادند تا سلطنت بنی امیه را از ریشه برکنند.

این هنگام، که حتی در کوفه امارتی شیعی پدید آمد، برای امام باقر علیه السلام فرصتی شایسته بود تا چهره زیبای حقایق دینی را از پس پرده‌های اوهام و خرافات اموی بیرون آورد و به مردم نشان دهد. امام باقر علیه السلام با درک این ضرورت تاریخی، نهضتی علمی بی‌سابقه را پایه‌ریزی کرد که تأثیر آن تا به امروز در تمدن اسلامی باقی است.

این امام همام، که به «باقر العلوم» (شکافنده دانش‌ها) ملقب شد، با احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مبارزه با تحریف‌ها و خرافات، چهره راستین اسلام را از زیر غبار سیاست زدگی و التقاط فکری بیرون آورد. ایشان با تأسیس حوزه علمی در مدینه و تربیت شاگردانی برجسته مانند زراره، محمد بن مسلم و جابر بن یزید جعفی، بنیان‌گذار دانشگاهی شد که در دوران امام صادق علیه السلام به اوج شکوفایی رسید.

زندگی حضرت امام محمد باقر علیه السلام ثمره‌ها و دستاوردهایی بس گران‌مایه برای اسلام به همراه داشت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تحکیم مبانی عقیدتی و باورهای دینی جامعه اسلامی؛
۲. نقد و تخطئه اندیشه‌ها و باورهای نادرست راه یافته به عقاید مسلمانان؛
۳. گسترش فرهنگ فقهی و احکام دینی؛
۴. مبارزه با به کارگیری روش‌های نادرست اجتهاد و استنباط احکام فقهی؛
۵. تربیت شاگردانی کارآمد در میدان فقه و کلام و مباحث اخلاقی و اجتماعی؛
۶. رهبری جامعه شیعی به سوی اندیشه‌های ناب اسلامی؛
۷. بازداشتن تشکیلات شیعی از نابودی در زیر فشار حاکمیت خودکامه اموی؛
۸. ترویج اندیشه‌های اعتقادی-سیاسی شیعه همراه با در پیش گرفتن خط مشی تقیه؛
۹. نمایاندن الگوهای عملی به جامعه اسلامی در زمینه عبادت، زهد، کار و تلاش، علم، اخلاق و حضور اجتماعی.

در این نوشتار، با نگاهی تحلیلی به ابعاد گوناگون حیات علمی حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌پردازیم؛ از مبارزه با انحرافات عقیدتی و پایه‌گذاری اجتهاد اصیل تا ترویج فرهنگ انتظار و تفسیر قرآن. همچنین، جایگاه بی‌بدیل ایشان در نزد عالمان اهل سنت و نقش محوری‌شان در تحکیم مکتب تشیع بررسی خواهد شد.

امید است این پژوهش، گامی در شناخت بیشتر سیره علمی آن امام بزرگوار باشد و چراغ راهی برای جویندگان حقیقت در عصر حاضر گردد.

زندگی پرثمر امام باقر علیه السلام

الف) اوضاع فرهنگی-اجتماعی جامعه در عصر امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام امامت خویش را در دوره ای آغاز کرد که جامعه اسلامی، وضع فرهنگی نابسامانی داشت و عرصه فرهنگی جامعه، گرفتار چالش های عمیق عقیدتی و درگیری های مختلف فقهی میان فرق اسلامی بود. فروکش کردن تنش های سیاسی پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ ق و همچنین شکست برخی احزاب سیاسی مانند عبدالله بن زبیر، ضمن یکپارچه ساختن حاکمیت بنی امیه، موجب دور شدن بسیاری از دانشمندان از صحنه سیاسی و نیز آغاز حرکت های گسترده در زمینه های مختلف علمی با بحث و بررسی درباره مسائل گوناگون شده بود.

پس از مدت ها رکود، این رویکرد گسترده به مسائل فقهی و بحث و تبادل نظرهای علمی در این برهه و پیدایش مکتب ها و سبک های مختلف علمی، رونق فراوانی به بازار علم بخشید. بررسی نقش درخشان امام در این دوره در روشن سازی افکار عمومی دانشمندان اسلامی و به ویژه خردورزان شیعه، دارای اهمیت و برتری بسیار است. با ظهور امام باقر علیه السلام، گام مهم و به سزایی در راستای تبیین آرای شیعه برداشته شد و جنبش تحسین برانگیزی در میان دانشمندان شیعی پدید آمد.

از سوی دیگر، خطر افکار آلوده یهود و سیطره دیدگاه های فرقه مرجئه، جبریه، قدریه، غلات و... حیات فکری شیعه را با خطر روبه رو کرده بود که جایگاه و مرجعیت علمی شایسته ای همچون امام باقر علیه السلام، اندیشه های خطرناک این فرقه ها را تا حد قابل توجهی منزوی ساخت. آرا و دیدگاه های آنها و نیز موضع گیری امام در برابر هر یک، به گونه ای گسترده تر بررسی خواهد شد.

(ب) ترسیمی از چهره علمی امام باقر علیه السلام
امام به سان خورشیدی گیتی فروز، بر سپهر دانش پرتو افکن بود. در بیان برتری و بزرگی این جایگاه، همین بس که بیشترین حدیث در بین جوامع حدیثی شیعه، از آن امام همام و فرزند خردمندش امام صادق علیه السلام است و این خود بزرگ ترین گواه در برجستگی شخصیت علمی ایشان است.

بسیاری از دانشمندان بزرگ اسلامی درباره جایگاه علمی امام، جمله های بسیار زیبایی بر زبان رانده یا نگاشته اند که همچنان، تاریخ آن را در خاطر خود نگاهداری می کند. دانشمندان بسیاری چون ابن مبارک، زهری، اوزاعی، مالک، شافعی، زیاد بن منذر نهدی و... درباره برجستگی علمی آن حضرت سخن رانده اند. فراوانی روایات امام در زمینه های گوناگون علمی، اندیشوران اهل سنت و محدثان آنان را بر آن داشت تا از ایشان روایت کنند و سخنان وی را نقل نمایند که از جمله آنها ابوحنیفه را می توان نام برد.

(ج) امام باقر علیه السلام و پایه گذاری نهضت بزرگ و پویای علمی
امام باقر علیه السلام در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر عرصه فرهنگ اسلامی سایه افکنده بود، با تلاشی جدی و گسترده، نهضتی بزرگ را در زمینه علم و پیشرفت های آن طراحی کرد، تا جایی که این جنبش دامنه دار به بنیان گذاری و تأسیس یک دانشگاه بزرگ و برجسته اسلامی انجامید که در دوران امام صادق علیه السلام، پویایی و عظمت آن به اوج خود رسید.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام با برقراری حوزه درس و تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی و با تکیه بر آیات قرآنی، با کج اندیشی ها و چالش های علمی به مبارزه برخاست و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود و جنبش بزرگ علمی کمر بست؛ به گونه ای که دانشمندی چون جابر بن یزید جعفی هرگاه می خواست سخنی در باب علم به میان آورد - با آن همه توشه ای که از دانش داشت - می گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی علیه السلام برایم این گونه گفت» و به دلیل بزرگ دیدن جایگاه امام، از خود نظری به میان نمی آورد.

ابواسحاق سبعی از دیگر فرهیختگان این دوره، چنان به درستی دیدگاه های علمی امام باقر علیه السلام یقین دارد که وقتی از او در مورد مسئله ای می پرسند، پاسخ را از زبان امام می گوید و می افزاید: «او دانشمندی است که هرگز کسی به سان او [در علم] ندیده ام».

ابوزرعه نیز در این باره اقرار می کند: «او بزرگ ترین دانشمندان است».

(د) تحکیم بنیان های تفکر شیعی توسط امام باقر علیه السلام
در آن روزگار، بسیاری از شیعیان به معارف تشیع دست نیافته بودند و دسته ای از آنان در کنار استفاده از احادیث اهل سنت، علاقه زیادی به فراگیری و بهره مندی از دانش امام نیز نشان می دادند. آن گونه که از کتاب های رجالی برداشت می شود، نام بسیاری از اشخاصی که رابطه تنگاتنگی با امام داشته اند، جزو اصحاب او شمرده نشده است.

همین موضوع می توانست تا اندازه ای اندیشه شیعه را سست کند؛ چه بسا امکان اختلاط آموزه های دیگری با آن قسمت از معارفی که آنان از امام می آموختند وجود داشت. امام باقر علیه السلام نیز مانند دیگر امامان شیعه، برای تحکیم پایه های اندیشه تشیع بسیار کوشید و امامت شیعه را به خوبی برای همگان معرفی کرد. او می فرمود: «فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله درهای دانش خداوندی و راه رسیدن به خشنودی او هستند. آنان دعوت کنندگان مردم به سوی بهشت و راهنمایان به سوی آن اند».

امام با تکیه بر قرآن، رهبری شیعه و مبانی پیروی از آن را بررسی و معرفی می کرد. ایشان کوشید تا امامت را نیز مانند نبوت، امری الهی و مبتنی بر قرآن تبیین کند. بازتاب دیدگاه امام در مورد رهبری شیعه، بر احادیث نبوی که بر شباهت و قرابت میان پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می کرد، در بحث های کلامی ایشان انعکاس فراوانی دارد.

ایشان با بیان این که امام دارای صفاتی ذاتی - مانند عصمت و علم - است، در نظر داشت رویکرد جدی تری به موضوع امامت داشته باشد. دیدگاه های حضرت درباره این موضوع، تأثیر ویژه ای بر مردم گذاشت و بسیاری از تهدیدها و خطرهای را از تفکر شیعی دور کرد و سبب شد با وجود عقاید گوناگونی که در آن زمان درباره مرجعیت وجود داشت، تعداد گرایندگان به این مکتب رو به فزونی گذارد. در احادیث شیعی نیز توجه گسترده ای به این موضوع در سخنان امام باقر علیه السلام شده است.

ه) پرورش انبوه فرهیختگان و دانشوران توسط امام باقر علیه السلام
امام باقر علیه السلام، دانشمندان برجسته ای را در رشته های گوناگون معارف چون فقه، حدیث، تفسیر و دیگر شاخه های علوم اسلامی تربیت کرد که هر یک وزنه ای در دانش به شمار می رفتند. امام با درایت و هوشیاری تمام توانست شکافی را که در گذر سال های متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد.

پیش از دوران امامت امام باقر علیه السلام، خفقان سیاسی به اندازه ای بود که انتقال آموزه های ناب اسلامی فقط از طریق دعا و نیایش و یا در قالب چند پیشکار و خدمتگذار که با امام حشر و نشر داشتند، صورت می گرفت.

در این میان، عصر امام باقر علیه السلام به دلیل شرایط سیاسی خاص حاکم تا اندازه ای به امام اجازه برقراری مجامع علمی داد تا ایشان بتواند استعدادها و نهفته ای را که در جامعه اسلامی وجود داشت تربیت کند؛ با این همه، با رعایت تقیه و پنهان کاری و عدم برانگیختن حساسیت دستگاه و با وجود تنگناهای خاص سیاسی و فرهنگی، امام توانست افراد زیادی - بالغ بر ۴۶۲ نفر - را با آموزش ها و تعالیم ناب خویش پرورش دهد که نام یکایک آنها در کتب رجالی ثبت شده است. در این بخش به معرفی برخی از آنان می پردازیم.

اول) زرارة بن اعین
زراره از بزرگ ترین راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام و از قابل اعتمادترین آنهاست که بسیار مورد اطمینان اهل بیت علیهم السلام و بارها از زبان آنان ستایش شده بود. او پس از امام باقر علیه السلام، محضر فرزندان آن امام همام را نیز درک کرد و در زمان امامت آنان نیز از بهترین ها به شمار می آمد.

امام صادق علیه السلام روزی به او فرمود: «ای زراره، نامت در ردیف نام های بهشتیان است.»

و نیز می فرمود: «خداوند رحمت کند زرارة بن اعین را که اگر او نبود و تلاش او نبود، احادیث و سخنان پدرم از بین می رفت.»

و نیز «گروهی هستند که ایمان را به زینهار گرفته و برگردن می افکنند (از آن پاسداری می کنند) که در روز قیامت آنان را پاسداران [ایمان] نامند. بدانید که زرارة بن اعین از آن گروه است».

همچنین احادیث بسیاری در ستایش ایمان زراره وارد شده است.

دوم) محمد بن مسلم ثقفی
او از بزرگان راویان احادیث ائمه بود و احادیث بسیاری از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در کتاب های معتبر حدیثی یافت می شود. در مورد او نیز ستایش های گوناگونی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام وجود دارد.

عبدالله بن ابی یعفور می گوید:
«نزد امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم: ما نمی توانیم هر ساعت شما را ملاقات کنیم و امکان دسترسی به شما [به دلیل

پرسش هایی که داریم] برایمان وجود ندارد و گاه برخی از من پرسش هایی می کنند که پاسخ همه آنها را نمی دانم [تکلیف ما چیست؟]

امام فرمود: چرا سراغ محمد بن مسلم ثقیفی نمی روید؟ همانا [احادیث] بسیاری از پدرم شنیده و نزد او فردی قابل اطمینان و احترام بوده است».

امام باقر علیه السلام درباره اش می فرمود: «در میان شیعیان ما کسی فقیه تر از محمد بن مسلم نیست».

او مدت چهار سال در مدینه سکنا گزید و همه روزه در محضر نورانی امام باقر علیه السلام حاضر می شد و پاسخ پرسش های خویش را می شنید و درس می آموخت.

وی در مدت عمر خویش، سی هزار حدیث از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام شنید و آنها را روایت کرد که قسمتی از آنها به دست ما رسیده است.

وی در بین مردم به عبادت بسیار مشهور بود و از پرستندگان راستین زمان خود به شمار می آمد. محمد بن مسلم در سال ۱۵۰ ق در کوفه بدرود حیات گفت.

سوم) ابوبصیر؛ لیث بن البَختری مرادی

او از نزدیکان و شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود و سخنان بسیاری را نیز از آن دو بزرگوار نقل کرد. او کتابی نگاشت که بسیاری از دانشمندان، آن را تأیید و از آن روایت کردند. شعبی عقرقونی می گوید:

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر احتیاج به پرسش در مورد مسئله ای پیدا کردیم از چه کسی سؤال کنیم؟ امام پاسخ فرمود: از ابابصیر».

چهارم) بُرید بن معاویه عَجلی

او از بزرگان روزگار خویش و فقیهی ماهر بود و نزد امام باقر علیه السلام جایگاهی ویژه داشت. او نیز دارای کتابی بود که برخی از دانشمندان پس از او، از آن روایت کرده اند. اباعبیده حذاء می گوید:

«از امام صادق شنیدم که فرمود: زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و بُرید از کسانی هستند که خدای بزرگ در مورد آنان می فرماید: «وَالسَّائِقُونَ السَّائِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ». (واقعه: ۱۰ و ۱۱).

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید:

«هیچ کس به اندازه زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید بن معاویه یاد ما را زنده نگاه نداشت و احادیث پدرم را احیا نکرد. اگر این ها نبودند کسی تعالیم دین و مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله را گسترش نمی داد. اینان پاسداران دین و امینان پدرم بودند که بر پاسداری از حلال خدا و حرام او کمر بستند. آنان هم در دنیا به ما نزدیک بودند و هم در آخرت با ما ماند».

او در دوران امامت امام صادق علیه السلام زندگی را فرو گذاشت و در خاک آرامید.

در این میان، بزرگان دیگری مانند جابر بن یزید جعفی، حمران بن اعین، هشام بن سالم، فضیل بن یسار، ابان بن تغلب و بسیاری دیگر از بزرگان و فرهیختگان این عصر را می توان نام برد.

و) پی ریزی تدوین حدیث توسط امام باقر علیه السلام

در پی انحرافات عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آمد، رخداد تأسیف برانگیزی دامن گیر جهان اسلام شد و آن، جلوگیری از تدوین احادیث اهل بیت علیهم السلام بود که آثار زیان بار آن، سالیان درازی بر پیشانی فرهنگ دینی مردم باقی ماند.

نزدیک به یک قرن - تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز - از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سخنان تابناک اهل بیت علیهم السلام جلوگیری شدید به عمل آمد. و به جای آن سیل عظیمی از تحریفات و جعل احادیث نبوی صلی الله علیه و آله به فرهنگ و اعتقاد مردم روی آورد که به «اسرائیلیات» شهرت یافت.

پس از روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز، وی فرمان تدوین احادیث را به ابوبکر بن محمد انصاری صادر کرد. او که از رجال و بزرگان تابعین به شمار می رفت و از اصحاب علی علیه السلام شمرده می شد، به بازگرداندن فدک به اهل بیت علیهم السلام و تدوین

امام باقر علیه السلام از این فرصت استثنایی کمال بهره را برد و با بیان احادیث فراوان، راویان مختلف، از ایشان ده ها هزار حدیث نقل کردند.

در واقع، امام باقر علیه السلام نماینده مکتب اهل بیت علیهم السلام و نخستین سروسامان دهنده احادیث تابنده بود. از این رو، بسیاری از محدثین وقت، با دیدن تلاش های بی دریغ امام، کمر به نگاشتن و نگاهداری سخنان امام بستند و بدین سبب، بیشتر احادیث اهل بیت علیهم السلام از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در دست است.

ز) بنیان گذاری اجتهاد توسط امام باقر علیه السلام یکی از شاخه های بزرگ علوم اسلام، «علم اصول» است که با بهره گیری از آن، احکام شرعی را از ادله شرعی استخراج می کنند. از این رو، اجتهاد، متوقف بر آن است و مجتهد برای استنباط احکام شرعی به آن نیاز مبرم دارد و ملکه اجتهاد برای او حاصل نمی شود، مگر این که به تمامی بحث های آن آشنایی کامل داشته باشد.

تمامی مجتهدان و علما بر این باورند که امام باقر علیه السلام، نخستین کسی بود که این علم را تأسیس کرد و قواعد آن را به وجود آورد و بدین وسیله، دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان اسلامی گشود.

قواعدی را که امام تأسیس کرد، بعدها در میان اصولیین به استصحاب، قاعده تجاوز، قاعده فراغ، قاعده نفی ضرر، علاج تعارض بین اخبار و... شهرت یافته است. تمامی این قواعد به همراه اخباری که از امام در مورد آنها وارد شده است، در کتاب های اصولی موجود است؛ به گونه ای که هر یک از این روایات، درون مایه تأسیس قاعده ای بزرگ در اصول فقه قرار گرفت و آن را مبنای قواعد اصولی قرار دادند.

ح) مبارزه با شیوه های نادرست اجتهاد توسط امام باقر علیه السلام هنگامی که امام باقر علیه السلام باب اجتهاد را به روی دانشمندان گشود، عده ای با اتخاذ برخی شیوه های نادرست در اجتهاد، مانند «قیاس» و «استحسان»، استنباط احکام شرعی را با خطری جدی روبه رو کردند. آنان با قوانینی این گونه، گاه به مخالفت با نص کتاب و سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستند.

از میان این دانشمندان، می توان از نعمان بن ثابت نام برد که به ابوحنیفه شهرت یافت. او فتاوای عجیب و قیاساتی را وارد کرد و بر مبنای گمان و سلیقه خود فتواهایی داد که این فتاوی اکنون در دست است.

از دیگر این افراد می توان به سفیان بن سعید بن مسروق مشهور به سفیان ثوری اشاره کرد که برخی نیز او را از اطرافیان امام صادق علیه السلام دانسته اند. از وی روایاتی در دست است که دلالت بر کژاندیشی او دارد. آنان گاه مورد لعن اهل بیت علیهم السلام نیز قرار می گرفتند.

آنچه اهمیت دارد این است که این گونه برداشت های اشتباه و به کارگیری شیوه های نادرست در استنباط احکام، همواره مورد نکوهش اهل بیت علیهم السلام بوده و بخشی از تلاش های امام باقر علیه السلام را نیز در زمینه مبارزات فرهنگی، به خود اختصاص می داده است.

امام برای زدودن این شیوه و به کارگیری کارکردهای صحیح اجتهاد، به اصحاب و ارسته خود می فرمود: «سنت رسول خدا قیاس بردار نیست. چگونه می توان قیاس را ملاک [استنباط حکم] قرار داد، در حالی که بر زن در دوران قاعدگی اش قضا روزه، واجب است، ولی قضا نماز، واجب نیست؟».

ط) توسعه فرهنگ انتظار توسط امام باقر علیه السلام یکی از تلاش های گسترده و عمیق امام باقر علیه السلام در نشر معارف اسلام ناب، سوق دادن مردم به سوی فرهنگ انتظار امام آخرین عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. ایشان در تبیین این فرهنگ بر آن بود تا با روشن ساختن زوایای پنهان فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و پاسخ دادن به پرسش های گوناگون، غیبت و ظهور حضرت را امری خدادادی و خارج از اختیار، معرفی و نیز منتظران را به انتظار ظهور ایشان ترغیب کند.

ام هانی ثقفیه می گوید:

«بامداد، خدمت سرورم محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) رسیدم و گفتم: سرورم! آیه ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده و مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم در ربوده است. فرمود: بپرس ای ام هانی. گفتم: «قلا اقسیم یالخٹس الجوار الکٹس». (تکویر: ۱۵ و ۱۶) فرمود: ای ام هانی، خوب مسئله ای پرسیدی. این مولودی در آخرالزمان است. او مهدی این دودمان است و برای او غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه می شوند و گروهی نیز هدایت می یابند. خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا به حال کسی که او را دریابد».

ی) نشر فرهنگ قرآن توسط امام باقر علیه السلام افزون بر سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی صلی الله علیه و آله که با شعار «کافی بودن قرآن» پیش می رفت، از عمل به قرآن نیز خبری نبود. کتاب خدا به ابزاری برای دستیابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت علیهم السلام با تأویل و تفسیر، به ابزار سرکوبی مخالفان تبدیل شد. در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام باقر علیه السلام در جایگاه بهترین مفسر قرآن، با بازگ کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام ها را زدود و مشت مخالفان و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدعاهای خود، از آیات قرآن بهره می جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می گرفت و می فرمود: «هر چه را می گویم از من سوال کنید [این که گفتم] در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت کنم.» امام به اندازه ای بر آیات قرآن تسلط داشت که مالک ابن اعین جهانی شاعر هم عصر امام درباره ایشان سرود: «اگر مردم درصدد جست وجوی علوم قرآن برآیند، باید بدانند که قریش، بهترین دانای آن را دارند و اگر امام باقر علیه السلام در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم می کند...».

لازم به یادآوری است که امام، کتابی در تفسیر قرآن نگاشت که زیاد بن منذر و بسیاری از بزرگان چون ابوبصیر از آن روایت کردند.

ک) مرجعیت فقهی امام باقر علیه السلام و پاسخگویی به پرسش های دانشمندان از دیگر تلاش های چشم گیر امام در راستای نشر تعالیم اسلامی، مرجعیت عملی امام در پاسخگویی به مسائل فقهی مردم بود. ابوحمزه ثمالی می گوید: «نزد امام باقر علیه السلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که مردی نزد من آمد و سلام کرد و پرسید: کیستی ای بنده خدا؟ گفتم: از کوفیان هستم، چه می خواهی؟ گفت: آیا اباجعفر را می شناسی؟ گفتم: بله، کارت با او چیست؟ گفت: چهل مسئله آماده کرده ام و در پی جواب آنم تا بدانم به کدام باید عمل کنم... در این هنگام، امام وارد شد؛ در حالی که جماعتی از اهل خراسان و دیگر استان ها همراه وی بودند و در مورد مسائل حج از امام می پرسیدند. آن مرد نیز نزدیک امام نشست و پرسش های خود را مطرح کرد و پاسخ گرفت».

همچنین، بسیاری از دانشمندان مانند قتاده بن دعامة، طاووس یمانی و عاصم بن عمر، هرگاه حضرت را می دیدند، برای پاسخ گرفتن پرسش های خود، از لحظات بهره می جستند و در هر حالی از امام سؤال می کردند. نمونه های زیادی از این گونه گفت وگوها و پرسش و پاسخ ها در تاریخ آمده است.

ل) شناساندن رهیافتی جایگاه امام باقر علیه السلام امام باقر علیه السلام تلاش فراوانی برای جلب دل ها به سوی دوستی اهل بیت علیهم السلام مبذول می داشت و درصدد بود تا با این شیوه، جایگاه امام را به گونه ای روشن تر برای مردم ترسیم کند و وسیله نجات و رستگاری را به آنان بنمایاند.

حکم بن عتیه در داستان تکان دهنده ای در این باره می گوید: «من کنار اباجعفر علیه السلام در مجلس پرازدحامی نشسته بودم که پیرمردی عصا زنان وارد مجلس شد. بر آستانه در ایستاد و گفت: درود و رحمت خدا بر تو ای پسر پیامبر.

امام پاسخ سلامش گفت. سپس رو به حاضران کرد و به آنان نیز سلام کرد. پس پیش روی امام آمد و گفت: ای پسر فرستاده خدا، مرا نزدیک خود جای ده که جانم فدایت باد! به خدا سوگند که من شما [اهل بیت] را دوست می دارم و با هر که شما را

دوست بدارد دوستم و به خدا سوگند که این دوستی با شما [اهل بیت] و دوستانتان به خاطر مطامع دنیوی نیست. من از دشمنان شما بیزارم و سوگند که دشمنی ام با آنان به خاطر گمراهی و زبونی شان است. سوگند که حلال شما را حلال می دانم و حرامتان را حرام و دستورتان را بر چشم قرار داده ام. فدایت شوم، آیا بر من امیدی [از رستگاری] هست؟

امام به او فرمود: جلوتر بیا. و او را آن قدر به پیش خواند که پهلوی خود نشانده و فرمود: ای پیرمرد! مردی از پدرم علی بن حسین علیه السلام همین را پرسید و پدرم پاسخ داد: آن گاه که از دنیا رخت بربستی، نزد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسن و حسین علیهما السلام و فرزندش وارد می شوی.

دلت سرور می یابد، خاطرت آسوده می گردد، چشمت [به دیدارشان] روشن می شود و به بهترین گونه نزد پروردگار حاضر می شوی.

آن گاه که جانت به اینجا رسید [و به گلی پیرمرد اشاره فرمود] در بالاترین منزلگاه با ما خواهی بود و زندگانی آخرت، روشنی چشمت خواهد شد.

پیرمرد از خرسندی پرسید: چگونه؟ امام باز هم برایش گفت. پیرمرد با شور و اشتیاقی بسیار گفت: الله اکبر! آیا به راستی آن گاه که بمیرم نزد پیامبر و خاندانش وارد می شوم و [از دیدارشان] دیده روشن می کنم؟ ...

اشک شوق بر رخسار پیرمرد تراوید، زانوانش سست شد، گریه اش بالا گرفت و بر زمین نشست. حاضران نیز با دیدن این عشق بازی، اشک شوقشان بیرون تراوید. امام، اشک از چشمان پیرمرد پاک کرد.

پیرمرد گفت: ای فرزند فرستاده خدا، فدایت گردم دستت را به من بده. دست امام را گرفت بوسید و بر صورت و چشمانش کشید. آن گاه گریبان گشود و دست امام را بر روی قلب خود گذاشت و گفت: سلام خدا بر شما [اهل بیت علیهم السلام] باد و رفت. امام به حاضران رو کرد و فرمود: هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند به او نگاه کند. راوی می گوید هرگز مجلسی چنین حسرت زده ندیده بودم».

(م) نیایش؛ کانون ترویج آموزه های دینی

یکی از فعالیت های بارز امامان در زمینه نشر تعالیم دینی و آموزه های بلند عرفانی، بهره گیری از زبان نیایش برای اشاعه فرهنگ ارتباط با خدا در تمامی حالات زندگی است.

آنان در هنگامی که جامعه را امواج متلاطم فساد و تباهی، زورگویی و زرداری و خفقان و اسلام ستیزی درنوردیده بود، با خدای خویش راز و نیاز می کردند و برای بیان بخشی از عقاید و فرهنگ اسلامی، از دعا بهره می گرفتند و در سنگر دعا، مردم را به توجه بیشتر به پروردگار و مبارزه با زورگویان فرا می خواندند.

هر چند مقصود اصلی آنان در این نیایش، بندگی و پرستش خدای بزرگ بود، با توجه به تعبیری که در نیایش آنها وجود دارد از لایه لای آن، مفاهیمی چون خلافت اهل بیت علیهم السلام، عدم سکوت در برابر ظلم و... را می توان دریافت.

در بیشتر ادعیه، جمله صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله به چشم می خورد و این در حالی است که دشنام به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام، سخن رایج حکمرانان وقت شده و آیات خدا به دست فراموشی سپرده شده بود.

امام باقر علیه السلام در نیایشی برای دریافت خواسته های خود از خدا، چنین می فرماید:

«پروردگارا، تو را به تمامی نام هایت می خوانم که آنها را خود نامیدی و یا در کتابت فرو فرستادی و یا آنها را بر برخی از بندگان فرا آموختی که بر محمد و خاندان او درود فرستی و قرآن را بهار قلبم قرار دهی و آن را نور چشمم و وسیله از بین بردن غم هایم قرار دهی.»

امام در دیگر دعاها خود افزون بر این مسائل، اعتقادات درست اسلامی را در زمینه یگانه پرستی، خدامحوری، رسالت، بازگشت به سوی خدا، وسوسه های شیطان و... نیز بیان می کردند.

امام باقر علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت

شخصیت بزرگ علمی و جایگاه ویژه امام باقر علیه السلام در شاخه های مختلف علوم اسلامی چنان برجسته بود که همواره محضر آن امام همام مملو از مراجعه کنندگان فراوان از تمامی سرزمین های قلمرو اسلامی بود و همگان را به بهره گیری از محضر

بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نیز به وارستگی شخصیت و موقعیت علمی ایشان اذعان کرده اند. در ادامه، گوشه ای از این دیدگاه ها نقل می شود.

۱. احمد بن حجر الهیتمی المکی (م. ۹۷۴ ق) در کتاب الصواعق المحرقة می نویسد:
او باقرالعلم و جامع و گسترش دهنده و پرچمدار دانش است، قلبش پیراسته است و علم و عملش پاکیزه و بالنده و... در مقامات عارفان دارای مقامی است که زبان از بازگفتنش ناتوان است.

۲. محمد بن عبدالفتاح الحنفی (م. ۱۲۶۶ ق) در کتاب جوهرة الکلام آورده است:
محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام است که باقر نامندش. واژه «باقر» در لغت به معنای شکافنده زمین برای آشکار ساختن گنج ها و پنهانی های آن است. او را از آن رو باقر نامیده اند که گنج های پنهان معارف و حقایق احکام و حکمت و لطایف را آشکار می ساخت. این حقیقتی است که جز بر کوردلان نهان نیست.

از عبدالله بن عطاء سخنی در ستایش امام باقر علیه السلام نقل است که بسیاری از مورخان و محققان بدان اشاره کرده اند؛ آن جا که می گوید:
هرگز ندیدم دانشمندان در برابر کسی چنین دون مرتبه و کم مایه بنمایند که در برابر باقرالعلوم کوچک می نمایند.
نقل است که حکم بن عینیه با این که کهنسال بود و ارج و ارزشی میان مردم داشت، چون در پیش باقرالعلوم علیه السلام می نشست کودکی را می نمود که در پیش آموزگارش زانو زده و در حال فراگیری دانش است.

۳. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م. ۷۴۸ ق) در کتاب سیر اعلام النبلاء می نویسد:
ابوجعفر محمد بن علی، علم و عمل و سیادت و شرف و وثاقت و متانت را در خود گرد آورده و شایسته خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او یکی از امامان دوازده گانه ارجمند شیعه امامیه است. آنان او را معصوم می دانند...

ابوجعفر - محمد بن علی علیه السلام - در برگیرنده دانش، رفتار نیکو، بزرگ منشی، انسانیت، راستگویی و متانت در رفتار بود و شایستگی جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشت...
او کسی بود که علم را شکافت و با پنهان و آشکارش آشنا شد. او پیشوا، مجتهد، تالی کتاب خدا و بلند مرتبه بود... ما نیز به او ارادت داریم چرا که صفات کمال را در او یافته ایم.

۴. حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م. ۴۳۰ ق):
از شخصیت های مورد استناد در منابع حدیثی، ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام است.
او از خاندان رسالت بود و بین موقعیت والای دینی و جایگاه برجسته اجتماعی جمع کرده و در زمینه رخدادها و مسائل مستحدثه فقهی و نیز موضوعات خطیر و مهم، صاحب نظر است.
وی در راستای بندگی و عبادت خدا اشک ها ریخت و از مراء و درگیری های لفظی و برتری جویانه، دیگران را باز می داشت.

۵. علی بن الحسن بن هبة الله شافعی معروف به ابن عساکر (م. ۵۷۱ ق):
ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام ... فردی درست کردار و راستگو بود که احادیث زیادی نیز از او روایت شده و هرگز کسانی که از او روایت کرده اند با او به مجادله برخاستند و بزرگانی از رجال صحاح از او روایت نموده اند.

۶. ابن اثیر (م. ۶۳۰ ق):
او - محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب قریشی هاشمی علیه السلام - از تابعین و شخصیت های برجسته و گران قدر امت اسلام از نظر دانش، رفتار پسندیده، بزرگی و شرف بود.

۷. ابن جوزی (م. ۶۵۴ ق):
او به دلیل کثرت سجده اش [از پرستش بسیار] باقر نامیده شد... سومین طبقه از تابعین در مدینه و شخصیتی دانشمند، پرهیزگار و راستگو بود که بسیاری از بزرگان چون ابوحنیفه از او روایت کرده اند.

۸. جمال الدین ابوالحجاج یوسف مزی (م. ۷۴۲ ق):
او (امام باقر علیه السلام) در طبقه سوم (حافظین) و از اهالی مدینه، بسیار راستگو و دانشمند بود... و از بهترین افراد خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر روی زمین به شمار می رفت که احادیث بسیاری نیز از او در دست است.

۹. ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق):

او ابو جعفر الباقر است... که از تابعین ارجمند و بسیار بلندمرتبه است و یکی از شخصیت های برجسته امت اسلامی در دانش و بزرگی به شمار می آید و از جمله امامان دوازده گانه شیعه می باشد.

۱۰. شهاب الدین ابوالفلاح بن احمد العکری الحنبلی معروف به ابن عماد (م. ۱۰۸۹ ق):

ابو جعفر محمد الباقر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام از دانشمندان مدینه بود و بسیاری چون ابوسعید خدری و جابر از او روایت کرده اند. او را باقر می نامیدند؛ زیرا علم را شکافته بود، اصل آن را می شناخت و با ناپیدای آن آشنا بود. و هم او بود که دامنه دانش را گسترش داد.

۱۱. محمد امین سویدی (م. ۱۲۴۶ ق):

معارفی که از سوی اباجعفر الباقر علیه السلام در زمینه علوم دین و سنن و سیره ها و فنون ادب و سخنوری در میان جامعه اسلامی ظاهر شد، از هیچ یک از فرزندان دودمان حسین علیه السلام آشکار نگردید. شایستگی ها و برجستگی های شخصیتی او بسیار است که این کتاب، مجال و گنجایش نوشتن همه آنها را ندارد.

۱۲. قاضی محمد احمد کنعان (معاصر):

ابو جعفر الباقر علیه السلام از تابعین ارجمند است و یکی از بزرگان علمی است که برجستگی بسیاری از نظر رفتار، بزرگ منشی و شرف دارد. او یکی از پیشوایان دوازده گانه شیعه است که هیچ بزرگی در ارجمندی به او نمی رسد و بسیار فراتر از آنچه در گستره وهم و خیال بگنجد، جایگاه دارد.

۱۳. خیرالدین زرکلی (معاصر):

ابو جعفر الباقر علیه السلام، پنجمین امام از پیشوایان دوازده گانه امامیه است. او مردی پارسا و عابد بود و آرا و اقوال بسیاری از وی در زمینه تفسیر قرآن و دیگر علوم در دست است.

جمع بندی و نتیجه گیری

حیات علمی حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که در یکی از حسّاس ترین برهه های فکری و سیاسی جهان اسلام شکل گرفت. ایشان در دوران افول بنی امیه و ظهور جریان های فکری متضاد، با بنیان گذاری نهضتی عظیم، چهره ناب اسلام را از تحریف ها و خرافات زدود و با تربیت شاگردان برجسته و تأسیس حوزه ی علمی، بنیان های فکری تشیع را استوار ساخت.

دستاوردهای کلیدی امام باقر علیه السلام در عرصه ی علمی و فرهنگی عبارتند از:

۱. احیای سنت نبوی و مبارزه با تحریف: امام باقر علیه السلام با بیان احادیث صحیح و نقد اندیشه های انحرافی مانند جبریه، مرجئه و غلات، اسلام اصیل را از آمیختگی با افکار بیگانه پاکسازی کرد.

۲. پایه گذاری نظام علمی شیعه: تأسیس حوزه ی علمی مدینه و تربیت بیش از ۴۶۰ شاگرد در رشته های فقه، حدیث، تفسیر و کلام، زیربنای شکل گیری دانشگاه عظیم امام صادق علیه السلام شد.

۳. تدوین حدیث و جلوگیری از فراموشی سنت: در شرایطی که نقل و کتابت حدیث ممنوع بود، امام باقر با استفاده از فرصت های سیاسی مانند دوران عمر بن عبدالعزیز، گنجینه ی احادیث اهل بیت علیهم السلام را حفظ و منتشر کرد.

۴. بنیان گذاری اصول فقه و اجتهاد: قواعدی مانند استصحاب، نفی ضرر و حل تعارض اخبار، که امروز پایه ی استنباط احکام فقهی است، از نوآوری های امام باقر علیه السلام بود.

۵. تبیین امامت به عنوان رکن اسلام: امام باقر علیه السلام با استناد به قرآن و حدیث، جایگاه امامت را به مثابه امری الهی تثبیت و شیعیان را از پراکندگی فکری نجات داد.

۶. ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت: امام باقر علیه السلام با تفسیر آیات قرآن و روایات، امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وظیفه منتظران را تبیین کرد.

شخصیت علمی و اخلاقی امام باقر علیه السلام چنان برجسته بود که حتی مخالفان نیز به عظمت ایشان اعتراف کردند. دانشمندانی چون ابوحنیفه، مالک بن انس و شافعی از محضر ایشان بهره بردند و مورخانی چون ذهبی و ابن حجر، او را «شکافنده علوم» و «شایسته خلافت پیامبر» خواندند.

امروزه جامعه اسلامی بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به مکتب امام باقر علیه السلام است؛ مکتبی که:

- علم را با تقوا و عمل پیوند می زند.
- در برابر تحریف ها و التقاط ها مقاومت می کند.
- با عقلانیت و استدلال، از باورهای دینی دفاع می نماید.
- رهبری الهی را تنها راه نجات بشریت می داند.

در پایان، می توان گفت امام باقر علیه السلام، نه تنها احیاگر اسلام ناب در عصر خویش بود، بلکه چراغ هدایت برای همه دوران هاست. بازخوانی سیره علمی ایشان به ما می آموزد که چگونه در میان امواج فتنه ها، اصالت دین را حفظ کنیم و با علم و عمل، زمینه ساز ظهور حقیقت باشیم. امید است با پیروی از این امام همام، امت اسلامی بار دیگر به عزت و شکوه راستین خود دست یابد.

منبع: چشمه علوم (رهیافتی بر شخصیت شناسی، سیره شناسی و اندیشه شناسی امام محمد باقر علیه السلام)، تهیه کننده و ناشر: اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، قم، اسفند 1393ش.

تهیه و تنظیم: تحریریه راسخون